چشمه های زندگی

برقعی، سید علی اکبر

انانکه بزیور مردی و مردمی خود را نیاراسته‏اند و در چراگاه‏ گیتی هم‏چون دیگر جنبندگان جز خورد و خفت ندانند نامشان بی‏اثر و مرکشان جاوید است.در جهان هرچیز بی‏ارج و بها چنین است‏ تندبادی وزیدن گیرد و ریکستانها را زیر توده‏های خاک پنهان کند بی‏انکه کسی در جستجوی آنها برآید لیکن اگر دانهء گوهری‏ که چشمها سوی وی نگران است و دلها در بند آن گم شود همه‏ جویای آن باشند و پویای پیدایش آن

در هرروز ملیونها جاندار رهسپار نیستی شود بی‏آنکه کسی از مرک یا زندگی آنها آگاه گردد نادان انکسیکه با داشتن گوهر خرد و هوش چون دیگران زندگی کند و بمیرد.مردمان همه بمیرند مگر آن نامورانی که از تاریکیهای گیتی گذر نمودند تا خود را بر لب‏ آب بقا رساندند و از آن آب زندگی نوشیدند

آن زندگی که بهمراهی روان پاک و گردار نیک گذرد با مرک‏ به پایان نرسد و با عمر دراز گیتی سپری نگردد زه بر این زندگی‏ خه بر این زندگان!!

در پایندگی این زندگی حرفی نیست لیکن باید دانست که از چه‏ راه میتوان آنرا بدست آورد؟!پیمبران که آموزگاران بشرند از آن زندگی خبر دادند و راه آنرا بمردم نمودند.اوخ که بیشتر مردمان پیروی آنان نکردند و از آن کفتارهای سودمند و دستورهای گرانبها که پاداش آن بهشت و ارج و بهایش زندگانی جاوید است بهرهء نگرفتند

نخستین چشمه زندگانی دانش است کسانیکه علم آموختند و بمیراث‏ گذاشتند نمیرند1زیرا بازماندهء اینان نیستی‏ناپذیر و ارث‏ بران برای نگهداری آن آماده‏اند و همیشه در گنجینه سینهء دانش‏ پروران از غارتگری رهزنان ایمن بماند

گیتی همه چیز را کهنه و پوسیده و مرده و نیست میکند ولی مردانی‏ را که بزیور دانش آراسته‏اند تازه‏تر و زنده‏تر دارد در میان‏ دانش‏وران هرکه در دانش پیش‏روتر است نامش زنده‏تر است بویژه‏ کسانیکه در پیدایش علوم کوشش فزونتر کرده‏اند شگفتا که‏ این ناموران هرچه تاریخ زندگیشان پیش‏تر است آوازهء شکوهشان‏ بیشتر است،سقراط و افلاطون و ارسطو یا دیگر دانشمندان که‏ جهان سکهء دانش بنام آنها میزند از زمانشان آنهمه گذشته ولی‏ هنوز زنده و پاینده‏اند-دیگر از چشمه‏های زندگی عدل و داد است‏ که آشامندهء آن هرگز نمیرد-پادشاهان بسی بوده‏اند که فر و شکو آنان گیتی را پر میکرده،گذشتند بی‏آنکه در زمرهء زندگان بشمار آیند

بلنداختری بین که بعد از پانزده قرن نوشیروان دادگر زنده است‏ زنده است نام فرخ نوشیروان بعدل گرچه بسی گذشت که نوشیروان نماند در ستایش نوشیروان همین بس که پیمبر آخرین فرمود در زمان‏ شاه دادگر بدنیا آمدم

و یا همچون شهریار ایران اعلیحضرت پهلوی که روزگارش‏ دراز باد برای خوی بلند دلیری و رادمردی و وطن‏پرستی نامی‏ (1)ما مات من احیا علما-علی(ع)نمیرد کسیکه علمی را زنده کند(ترجمه) فرخنده از خویش بیادگار گذارد

دیگر از چشمه‏های زندگی داد و دهش است که بخشاینده را پاینده دارد.شکفت این است که فضائلی که نام برده شد در هرکس‏ پدید آید نامش را زنده و فرخنده دارد اگرچه در کیش و آئین ناروا باشد.حاتم طائی یکتن بیابانی بود که در میان اعراب چادرنشین‏ روزگار بسر میبرد برای آنکه بیک فضیلت دهش آراسته بود هنوز نامش زنده است‏1

اینها که نام برده شد برای بدست دادن نمونه بود که صاحبان اندیشه‏ روشن از روی آنچه نگاشته شد زندگان را بشناسند و راه زندگی‏ جاوید را بدست آرند و گرنه فوائد دانش و داد دهش را هرکسی داند

در اینجا لازم است یادآور شوم که زنده نه هرکسی است که نامی‏ از آن برپا باشد.چه بسا نامورانی که مردهء جاویدند با آنکه نامشان‏ زبانزد است-نمرود و فرعون و چنگیز و تیمور و مانندهای اینان‏ نامشان برجاست ولی برای شناختن آفتهای بستان آدمیت

آنانکه با نامهای ننگین و کردارهای زشت یاد شوند و بستمکاری‏ و دیگر خویهای ناپسند شناخته گردند مرده‏اند(مرده آنست که‏ نامش به نکوئی نه‏برند)و هرجا نامشان برده شود دلها از آنان رمیده‏ و زبانها بر روانشان لعنت و نفرین فرستند2

(1)المحسن حی و ان نقل الی منازل الاموات علی ابن ابیطالب(ع) نیکوکار زنده است هرچند بخانه مردگان رود(ترجمه)

(2)

هذا فوج مقتحم معکم لا مرحبا بهم

(قرآن)این گروهی است که‏ با شما بسختی درآیند و خوش‏آمد بر آنان نیست(ترجمه)